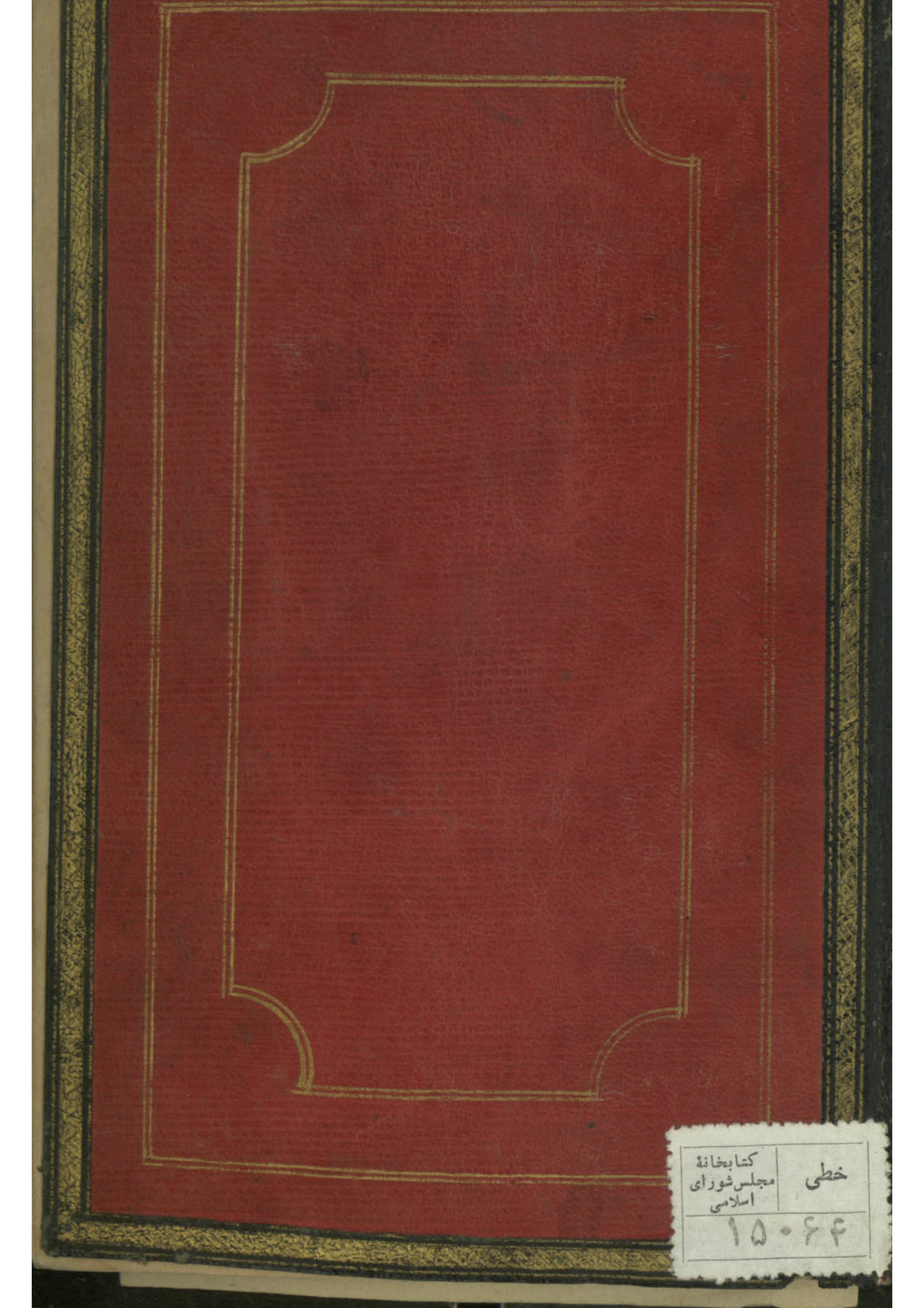
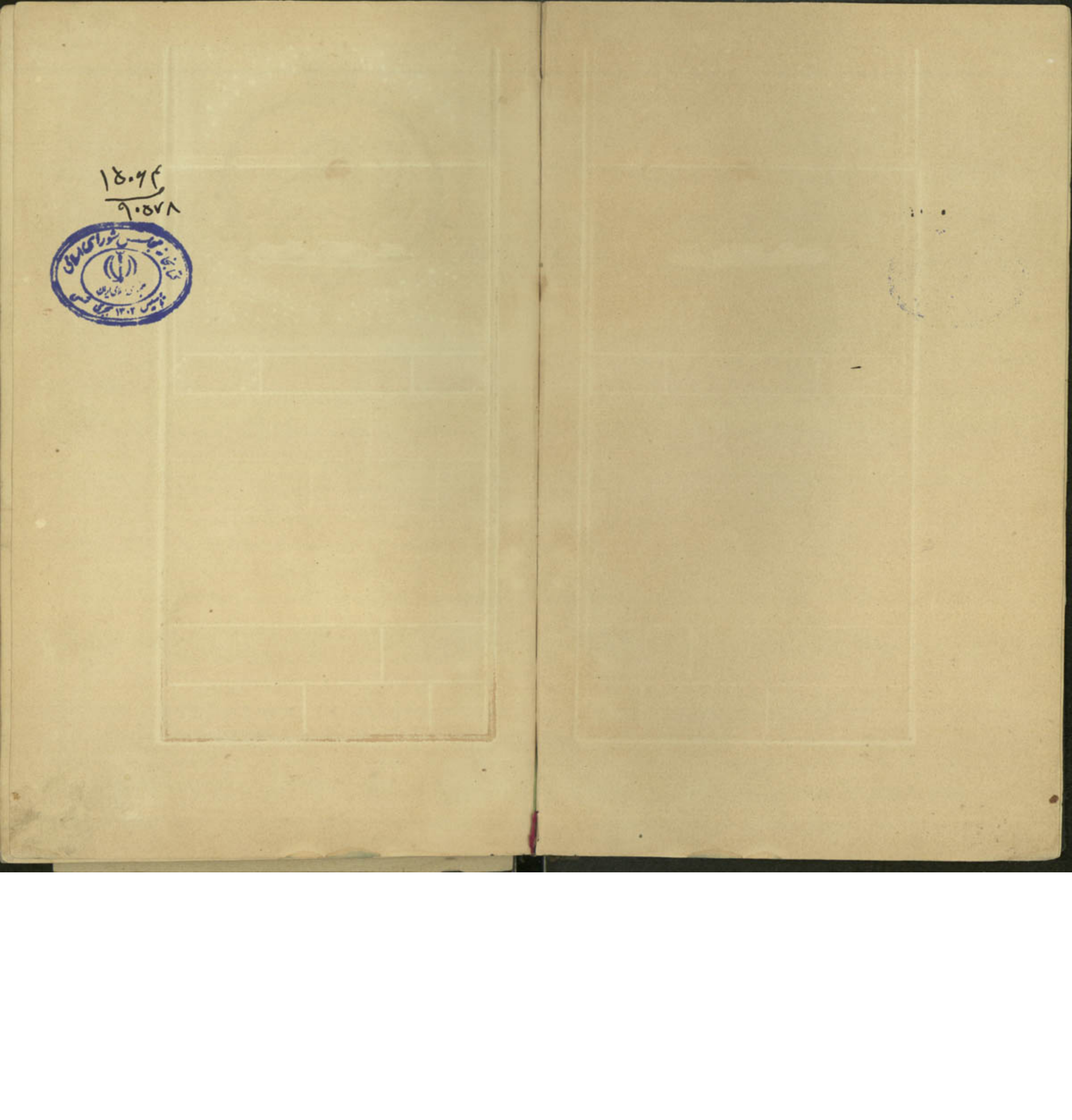

خطی
کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
۱۵۰۶۴


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه
شماره ثبت کتاب
۹۰۵۷۸
۱۲۹۱
۱۵۰۶۴





بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ثنائی که سبحان ملأ اعلی از ادای شمه از آن عاجز آیند و شکر
و سپاسی که معتکفان صوامع بالا در گفتن آن بتقصیر اعتراف نمایند
سزاوار ساحت عزت قادریست که این همه وقایع ماضیه و حوادث آتیه
منوط باراده و تقدیر اوست تصوّری که چندین اشکال مختلفه و صور متنوعه
مربوط بخامه تشکیل و قلم تصویر اوست بیت | ز ابر افکند قطره‌ای سوی یم
ز صلب آورد نطفه‌ای در شکم | از آن قطره لؤلؤی لالا کند | وز آن صورتی

سرو بالا کند و بعد صلوة و صلوات فایحات که نسیم ریاض قدس
از رایحه معطر آن غالیه سائی دریوزه کند و تحف تسلیمات طیبات که باد
روح افزای بهشت از طیب روایح آن عطرآمیزی استعاره نماید بر تربت
مقدس و مرقد منور شفیع روز محشر صاحب کلمه انا الاول و الاخر بیت
امام رسل پیشوای سبیل | امین خدا مهبط جبرئیل | کلیمی که چرخ فلک طور
اوست | همه نورها پرتو نور اوست | بر روان وصی و جانشین او
علی ابن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه و عترت و احباب او باد
امابعد در زمان دولت و سلطنت شهریار عادل باذل خجسته بخت
و شهنشاه خورشید افسر گردون تخت ظل یزدان خداوند جهان باعث
امن و امان وارث ملک سلیمان السلطان ابن السلطان ابن السلطان



جهان خدای خداوند ناصر الدین شاه / شاه ملک بخش داد و عدل شعار

شهنشهی که بحفظ ثغور و سد ثغور / کشیده حصن حصین چو گنبد دوار / هزار

شکر که از فر خسرو قاجار / فزوده ایران قدر و قیمت و مقدار / معلوم و پیدا

آگاه و صاحبان بصیرت خواهد بود که در عهد سلطنت این خسرو جمجاه کیوان
بارگاه تا چه حد و چه درجه آسودگی و رفاهیت همه خلایق و روزندگی
میسر است که هرگاه کتب تواریخ را ملاحظه کنند و با دیده بصیرت مطالعه
فرمایند شکر نعمای الهی بسبب قدوم و بخت پادشاه جمجاه بجای خود ادا آورند
که در مملکت ایران و خلایق این سامان چه قدر نسبت بسنوات ماضیه آسوده
و فارغ البال میباشند در این اوقات شریفه که تفویض امور سپاهی
مملکت ایران بکف کفایت جناب مستطاب اجل اکرم اعظم حاجی میرزا

حسینخان مشیر الدوله العلیه العالیه وزیر جنگ معظم سپهسالار اعظم دام
اقباله العالی مفوض و مرجوع میباشد و توجه خود را مصروف نظم و ترقی
امور نظام سپه فرمایند و دارای هر علم و صنعتی الشوق و ترغیب میفرمایند
بخصوص خانه زادان دولت ابد مدت قوی شوکت را بتربیت و تکمیل سپه مانند

چو آب نیل که سطحی از و شود محظوظ / ولی بقطعی سورنده ربود ار باز

از جمله خانه زادان دولت قوی شوکت پادشاه نجفعلی ابن مرحوم حاجی محمد
باقرخان بیگلربیگی قاجار که چندین سال در مدرسه دارالفنون بتحصیل علوم
پیاده نظام اشتغال نموده و کتاب تاکتیک که متعلق بعلم اردو و جنگ
میباشد بدستیاری عالیجاه بلندجایگاه مسیو اندرانی معلم علم پیاده نظام
تحصیل و ترجمه و تصحیح نموده فواید کلی بهمه کلیه سپاه دارد پیشکش بارگاه

خاقانی نمود **فصل اول** در بیان اردو زدن لازم است ملاحظه کرده شود
اولا اردو را در چه محل و در چه مکان قرار داد بعد از تعیین محل اردو
ملاحظه کرده می شود در او چند چیز **اول** گذرگاه لشکر باید خوب باشد
دوم زمینی که در مقابل اردو میباشد باید مسطح باشد بقدر تیررس توپ
اقلا **سیم** باید در اطراف و عقب اردو تپه گاهی باشد از قبیل موانع طبیعی
چهارم باید چگونه مدافعه نمود در وقت حمله دشمن **پنجم** باید ملاحظه نمود
اردو را باندازه منزل و بزرگی و کوچکی محل **ششم** باید گذرگاه لشکر
طوری باشد که باسانی آمد و رفت شود باردو **هفتم** باید محل اردو
قسمی باشد که باسانی حمل و نقل آذوقه لشکر را توان نمود و باید ملاحظه
کرد محل اردو را نسبت بمردمان و حیوانات **اول** محل اردو را باید

جائی قرار داد که خوش آب و هوا باشد که بواسطه بدی آب و هوا
ضرری بمردمان و حیوانات اردو نیاید **دوم** نزدیک آب باشد **سیم** از
باطلاق دور باشد **چهارم** نزدیک جنگل باشد فصل زمستان از بابت حمل
هیزم بجهت لشکریان **پنجم** نزدیک بمحلی باشد بجهت حمل آذوقه چهارپایان
از قبیل کاه و جو و غیره محل اردوی لشکر را باید در جائی قرار داد که
از مهمات مذکوره خالی نباشد بقدر قوه و یافت شدن مکان
غفلت نورزند و همچنین گاه محل اردو در جائی واقع باشد که جمیع ملزومات
مذکوره بطور سهولت عاید شود لاکن بواسطه آن محل قشون دشمن
نتوانند دست رسی باردو برسانند آن محل و آن ملزومات مذکوره
کلیه بمصرف است و نیز توان در آن محل توقف نمود و نیز بمصرف آست

محلی که آب داشته باشد لاکن باید که زمانی خشک شود و کفاف
زمان مطلوب را ندهد نباید توقف نمود و محل اردو را جائی باید قرارداد
که محفوظ باشد از شر دشمن و بتوانیم بسهولت حمله بدشمن نمائیم و عقب
نشینیم و گذرگاه لشکر را باید قراولان بسپارند و در سر گذرگاهی
قراولان متعدد باید باشند و هر گاه گذرگاه لشکر منحصر بیک راه باشد
از قبیل پل و تنگه لازم است قراولان متعدد که نگاه داری تنگه و
پل را نمایند و نگذارند قشون دشمن از آن معبر عبور نماید پس قواعد
مذکوره لازم دارد در اطراف اردو زنجیر قراول بفاصله دویست
قدم یا سیصد قدم گذاشته شود که این زنجیر نامیده میشود در زنجیر
پیش قراول در صورتیکه اردو را در بلندی از قبیل تپه قرار

دهند باید در اطراف تپه زنجیر پیش قراول قرار داد و محل
قراول باید در جائی بود که مرتفع باشد و بلندتر از سایر جاها
که بتوانند اطراف خودشان را مشاهده نمایند اگر قراولان
مذکوره بجهة حمله سوار دشمن بیم داشته باشند باید قلعه فوری
کوچک بجهة خودشان بسازند تا بواسطه این قلعه تاب مقاومت
در مقابل سواره دشمن یا پیش قراولان دشمن تاب اند بیاورند و
قراولان در اردو و در بیابان منزل دارند بدون چادر
در طریقه قرار دادن اردو باید اردو به قرار خود و اندازه
خط دشتبان باشد و خط دشتبان هر قشونی باید پوشیده باشد
بواسطه اردوی خود دشمن همچنانکه خط دشتبان سر باطالیان دیگر

باید اردوی ایشان هم بهمین فاصله باشد قاعدهٔ کلیه از برای
نگاه داشتن فاصلهٔ بخصه دشتبان هر باطالیان و اردو که از برای
توپخانه و سواره و پیاده تعیین میشود باید بقدر مقدور مناسب
وقت قرار داد اردو را در یک خط و در دو خط و در اطراف
که همیشه میمنه و میسره قشون میباشد سواره و از عقب قشون توپخانه
هرگاه محل اردو در جائی باشد مثلا در قسمتی که آن مقطوع شده است
بواسطه رودخانه یا باطلاق و غیره در این صورت اردوی پیاده
در جلو و سواره در عقب پیاده در صورتی که زمین مسطح باشد
چادرها لازم است که در یک خط باشد و محاذی یکدیگر اندازه
اردو گرفته میشود از سمت راست و چپ قشون اردو را ترتیب بدهند

ترتیب طومار بندی افواج فاصلهٔ خط دشتبان سواره با پیاده
باید پنجاه زرع باشد و فاصلهٔ چاتمه سربازان در پیش روی
اردوی خود شان باشد بفاصله ده زرع نایبان در عقب سربازان
چادر میزنند بفاصله پانزده زرع و چادر سلطانان در عقب
نایبان بفاصله پانزده زرع در چادرها باید کلا رو بروی یکدیگر
باشد هر چه شش فوج از سربازان خود شان اردو قرار میدهند
بجهت حفظ اردوی خود شان تکلیف مشق اول اردو بواسطه زنجیر
مشق اول باید پوشیده شود حفظ اردوی مشق اول باید مناسبت
داشته باشد در زیادتی و کمی اردو در فاصله هر چه قشون بیشتر
باید فاصله مشق اول هم زیادتر باشد تا حفظ توقف قشون

هرگاه قشون کمتر باشد باید فاصله پیش قراول هم کمتر باشد
خاصیت پیش قراول باید همیشه هوشیار و چالاک باشد بجهه اینکه
قشون دشمن بیخبر حمله نیاورد تا اینکه جمیع اردو آماده جنگ شوند در
صورتی که محل اردو در چمن یا جائی مسطح باشد پیش قراول مرکب است
از پیاده و سواره لاکن سواره باید زیادتر از پیاده باشد و در صورتیکه
محل اردو در زمین مسطح یا در چمنی باشد که بواسطه رودخانه یا غیره
آن محل مقطوع شده باشد در این صورت پیش قراولان مرکب است
از پیاده و سواره لکن باید پیاده زیادتر باشد از سواره و اگر
محل اردو کوه یا تپه باشد جمیع پیش قراولان باید از پیاده باشند
بدون سواره باید محفوظ بدارند پیش قراولان خودشان را

از شر دشمن بواسطه درخت یا سنگ یا چیز دیگر و پیش قراول منقسم میشود
بر سه قسم قراول بزرگ قراول پیش قراول تکلیف پیش قراول
قراول بزرگ لازم است که محلی بجهه خودشان معین نمایند که بواسطه
آن محل محفوظ از شر دشمن شوند قراولان بزرگ مامور مینمایند
قراولان دیگر را در پیش روی خودشان بفاصله دویست قدم
و قراولانیکه بواسطه قراولان بزرگ پیش رفته باید ثلث جمعیت
قراول بزرگ را داشته باشند و قراولانیکه بواسطه قراولان
بزرگ هستند قراولان دیگر را میفرستند پیش روی خودشان بهر
فاصله که اقتضا نماید و این قراولان که نامیده میشوند قراولان
جدید باید خودشان را محافظت کنند از شر دشمن نسبت بدرخت

یا سنگ یا غیره و باید این قراولان جلد و مستعد و هوشیار باشند
که کسی از قشون دشمن نتواند از فاصله ایشان بگذرد و داخل اردو
شود باید قراولان گوره مخبر باشند از حالت یکدیگر بواسطه گزمه
بخصوص در شب پیش قراولان باید محل پیش قراولان بزرگ را بدانند
که بدون زحمت آمد و رفت بنمایند قراولان بزرگ بکنند همان لحظه که
پیش قراول دید دشمن بنای حمله را دارد خبر میدهد بعد بعقب میرود
پیش قراولانیکه بواسطه قراولان جمع شدند تمکین منتقلاً تحت قراول
بزرگ میشوند و قراولان بزرگ همین که دیدند باز دشمن زیاد در حمله میکند
و پیش میاید جنگ و گریز کرده بقدر امکان رسیدن دشمن را باخبر
میاندازند و خود را بقشون میرسانند و باید قراولان طوری حرکت

ننمایند که خود را بخطر بیندازند و از هم جدا نشوند و لازم است که
پایداری کنند از برای اینکه قشون وقت داشته باشند که مسلح
و آماده جنگ شوند چونکه شبیخون دشمن قشون را پراکنده میسازد لهذا
باید زنجیر قراولان را دو چندان بنمایند تا خاطر جمع باشند و پیش قراولان
نباید از جای خود شان غایب شوند تکلیف گزمه در اردو بدو طریق است
یکی دفعی و دیگری دفعی گزمه دفعی اینهائی میباشند که سرکشی قراولان
کل را بنمایند و نگذارند کسی از برای اخبار بیرون رود و باید این قسم گزمه
مرکب است از سه یا چهار نفر سرباز که محکوم بحکم یک نفر وکیل یا
سرجوقه باشند و میتوانند پیش از چند قدم از خط زنجیر پیش قراولان
پیشتر بروند هرگاه این گزمه ها قراول را در خواب ببینند همانجا

توقف نمایند تا خبر از قراولان برسد اگر این گزمه تا همه
از دور و نزدیک بشوند همانجا پنهان میشوند که تفحص قال و قیل را
نمایند گزمه رفتی بایدش زیادتر از گزمه دفعی باشد تا بتوانند از زیر
پیش قراولان بیرون بروند و دور شوند از برای مخبر شدن
حالت دشمن و جمعیت و حرکاتیکه کرده است یا در نظر دارد بزرگان
گزمه ها باید پیش از رفتن بلدیت راه را بگیرند که بسهولت از پیش
دشمن بتوانند بروند و باید در این کار گزمه های دفعی بطوری باشند
که نه زیاد با جرأت و نه زیاد کم جرأت باشند و باید زیاد با احتیاط
باشند اجتناب نمایند از شبیخون زدن و جنگ کردن و باید که سه خصلت
داشته باشند یکی عقل و یکی احتیاط و دیگری جرأت و دستور العملیکه از

صاحب منصب‌ها از بزرگ خودشان بگیرند کفایت حالشان نمی‌نماید
باید خود باتفاق وقت حرکت نمایند و رفتار کنند در بیان اطلاع
حالات دشمن از برای شناسائی حالت طبیعی زمین و اطلاع کیفیت
احوال دشمن مقصود از اطلاع حالت دشمن ملکی است که بدانند در
آنجا جنگ میکنند و نیز فهمیدن اینکه این مملکت از بسیار ممالک برتری
دارد و نیز منفعت را است از همه حیثیت این قسم عمل متعلق است بحکمران
یا سرداری که تعیین شده است و نیز اطلاع دشمن دو قسم است
اولا اطلاع کیفیت همه روزه آنجاست ثانیا اطلاع دیگر از برای قسم
اول چیزیکه لازم است آنستکه همه روزه اول صبح از اردو
بیرون روند و قوت آنها تخمینا باید مناسبت داشته باشد به جمعیت

خود شان زیادتی و کمی باید قدری از پیش قشون اول بگذرند و مقصود
ازین عمل اجتناب از حمله ناگهانی دشمن است و گرفتار نمودن اشخاصیکه
در حق آنها شک و شبهه هست و شناسائی حرکاتی است که از دشمن صادر
میشود این قسم ماموریت باید بسیار مخفی باشد و بخصوص سردار لشکر
باید کلی از جنگ دشمن اجتناب نماید در صورتیکه مجبور بر جدال شود نقطه
اول تکلیف در مراجعت است یعنی بطوری مراجعت بکند و عقب نشیند
که دشمن چنین نفهمد که شکست خورده اند اگرچه بفهمد در پایداری و جدال
باقی هستند در صورتیکه وارد بمکانی گردیدند که امر شده بود باید توقف
نمایند و بقدر امکان لشکر خود را مخفی دارند و خود با چند نفر از
سربازان باید پیش رفته اطلاع از حالت دشمن بهم برسانند

وقتیکه این صاحب منصب با این سردار ماموریت خود را تقسیم کرد
باید باردوی خود مراجعت نماید حقیقت حال خود را بیان کند از آنچه
که دیده است و هیچ چیز را فرو گذار نکند و همه پیش قراولان بزرگ
و کوچک باید مکمل و مسلح شده منتظر باشند تا مدتی که سایر قشون
در بیرون هستند قسم دوم ابتدای جنگ بزرگ و کوچک مقصود
ازین اطلاع شناسائی حالت دشمن است و از باب مقاومت با او
در نقطه که بتوان در آنجا با فایده جنگ نمود اما باید زمینی که میدان جنگ
در آنجا نمود تعیین کرد که از خطر جنگ ایمن بوده منافع کلی حاصل نماید
و باید ملاحظه نمود از پلیکه باید عبور نماید جسری باقیست یا نه یا آنکه خراب
شده است و باید همین طور ملاحظه نمود که تنگه ایکه در راه بوده است

دشمن او را مستحکم کرده است یا خیر از برای این قسم اطلاع میباید
یک صاحب منصب بزرگ باشعوری را انتخاب نماید که مرکب از چندین قسم
قشون همراهی آن باشد در صورتیکه رفتن اقتضا نماید یعنی باطلاق
و جنگل و سایر موانعات طبیعی را اطلاع سردار بدهند اگر ممکن باشد از
راهی عبور نماید که موانعات در راه نباشد باید این قشون کمک که
بجهة اطلاعات میروند همیشه مسلح و مکمل باشند تا وقتی که از پیش دشمن
مراجعت نمایند در صورتیکه صاحب منصب بزرگ این جمع است قابل و
و با احتیاط باشد میتواند بدون جنگ از حالت دشمن مطلع شود بدون
اینکه یک تیر تفنگ انداخته شود و زمانیکه این قشون باید بمحلی برسند که
قرار داده شده است بزرگ این جمع حکم توقف مینماید و باید

راه و ولایات و دهات قریب بان مکان اینکه رود و مینویسد
جمیع قواعد ملزومه و کیفیات انجا را از راه و طول منازل و فاصله
دهات و شهرها و شناختن انها و عمق‌های آب و شناختن اینکه این آبها
از کجا میاید و بکجا میرود و همچنین جواسند نوشت که این ولایات آبادانی
بود یا مخروبه و ملاحظه میکنند زمینی که در انجا زراعت مینمایند پر قوت است
یا کم قوت و چیزهایی که در آن ولایت پیدا میشود از آدمیان و رعایای
آن ولایت میپرسد و مینویسند که جمعیت نفوس آن ولایت چه قدر است
و چه قدر اسب و اسباب پیدا میشود و چه قدر گاو و گوسفند و چه قدر
عراده بجهة حمل و نقل پیدا میشود و آن صاحب منصب نقشه انجا را میکشد
با همه اخبار و ملاحظات با کمال دقت و اطلاع و این نقشه فواید کلیه

دارد بجهة سردار کل و سایر قشون قاعده کلیه همیشه با این مأمورین
یک نفر صاحب منصب مهندس باید برود بجهة کارهائیکه متعلق است باو
و بزرگ این مأمورین پیش از آنکه از اردوی خود حرکت میکند و میرود
باید از سردار کل قرارنامه خاطرجمع بگیرد و آن قرارنامه را
باید درست بفهمد و درست نگاه کند به تفنگ سربازان که خوب
باشد و یک دوربین بگیرد و همراهی خودش باید چند نفر از رعیتهای خود
ولایت که بلد ولایت باشند و توجه و مواظبت بعمل بیاورد از این
اشخاص که همراهی خود میبرد ضامن بگیرد که کیفیات راه را درست
نشان بدهند در تعریف کمین کردن قشون جدید که عادت بجنگ ازان
نگرفته است کمین کردن ایشان مشکل است بزرگ اهل کمین باید

محتاط

محتاط باشد که خودش نکند دشمن نفهمد و گرفتن قراول دشمن و نیز
گرفتن جمعی که از اردو بجائی میروند خواص کمین کردن کاروان است
و باید ملاحظه کرد که محل کمین زمین آنجا با اسلحه کانه بچه قسم است
و کدام اسلحه در آن مکان با فایده خواهد بود که پیشتر ارک شود
لشکری که بجهت کمین مأمور است باید شب برود و باید از راه خارج
بمحل کمینگاه لشکر برود بجهة آنکه هرگاه در این راه برخورند بکسی
آنکس هیچ نداند که بجائی میروند و فریب بخورد و بدین واسطه و
این جهة اشخاصی که در این راه برمیخورند بقشون نفهمند و مطلع نگردند
که بچه خیال و بکدام سمت میروند قشونی که بجهة کمین میروند نباید
بالا با الحان هیچ وجه طبل و شیپور و نی وغیره بزنند که مبادا کسی

مخبر شود و همچنین باید همه وقت قراول کنند و بدون اینکه با یکدیگر
بهیچ وجه متکلم شوند باید بطوری روند که از ایشان صدائی بیرون نیاید
و همچنین باید همراه افواج از چهارپایان مطلقا نباشد تا صدا ننمایند
که بواسطه صدای چهارپایان دشمن اطلاع بهم برساند اگر مالی باشد
که وجود آن لازم باشد باید اسب اخته چون صدا نمی‌کند چندان عیبی ندارد
جمعی از سربازان که بجهه کمین میروند باید همراه ایشان سرباز مخبران
باشد و پوشیده شوند بواسطه سرباز مخبران و سرباز مخبران باید همیشه
در اطراف خود بجستجو و تفحص باشند که دشمن در جائی پنهان نشده باشد
که قشون در کمین اینها افتاده دستگیر دشمن شوند قشون مخبران باید
هر کسی اگه در بین راه به بینند کلیتاً دستگیر نموده ببرند در پیش قراول

و قراولان باید متوجه شوند اشخاصی اگه از قشون دشمن است فرار ننمایند
و اگر لازم باشد زنجیر نموده که دستهایش را هم به بندند در تعریف کمین کردن
محل کمین گاه را نمیتوان انتخاب کرد ولیکن همیشه باید ملاحظه زمین را نمایند که
مناسبت مین سرطور که اقتضا نماید در آن محل کمین نمایند هر ولایتی که محل
کمین دارد باید تفحص نمایند و مقام خوبی معین کنند بجهه کمین کردن از قبیل
دره و ماهور و جنگل و موزار و زمینی که حاصل دارد و تپه و رودخانه و چمن‌ها
که علف بلند داشته باشد تا بتوانند در میان آن علف‌ها کمین نمایند
جمیعاً برای محل کمین با مصرف است و برنجزار با قضای وقت هر کدام که
بهتر است محل کمین قرار دهند قشونیکه بجهه کمین مأمور شده اند باید تقسیم
شوند بچندین قسمت و باید مرتب شوند بقسمی که از هر طرف دشمن بتوانند

حمله نمایند در صورت امکان الا از دو طرف لازم است قشونیکه
مأمور بکمین میباشند هرگاه سوار باشند باید در عقب باشند که از صدای
اسب های آنها دشمن اطلاع بهم نرساند و غدغن نمایند که از صاحب منصب
وغیره قلیان چپق در راه نکشند که از بابت شعله آتش دشمن خبردار
نشود و باید کمال مواظبت را داشته باشند که چیزی از ایشان در آن
زمین نماند و باید در محلی که خیال کمین کردن دارند از راه خارج بآن
محل رفته که هیچ نشانی از رفتن در آن محل نماند اگر ممکن شود
در روز قشونیکه در محل و مکان کمین است باید نصف آن در راحت قرار
لیکن در شب جمیعا بحالت نظامی باقی باشند و منتظر نشان و اخباریکه
با بزرگ خودشان قرار گذارده اند باشند سربازانیکه در کمین میباشند
باید

نباید مطلقا از مکان و محل خود حرکت نمایند لیکن هر وقت بزرگ آن جمع
مصلحت بداند اذن بیرون رفتن میدهد قشونیکه بجهة کمین دشمن میباشند
بزرگان آنها باید نشان مخصوص بآنها داده باشند همینکه سردار آن قشون
هنگام حمله کردن اراده داشت اخبار میدهد از قبیل طبل یا شیپور یا شلیک
بمحض این اخبار جمیع سربازان باید یک مرتبه بدشمن شلیک نموده و بعد از
شلیک کردن همه سربازان باید بدون اینکه اعتنائی بحالت دشمن
نمایند باید بهمه قتل و قتال از پا در نکشند که در حمله اول دشمن در ترس
افتاده حواسش آشفته شود سربازانیکه در کمین میباشند باید جمعا
با یکدیگر متفق باشند تا بدین واسطه تقویت زیادی دست بدهد اشخاصی که
در کمین میباشند باید اول تهیه و تدارک آذوقه خودشان هرچه میخواستند

بگیرند که دران محل بهیچ وجه محتاج و معطل نداشته باشند جنگ
مخبران بسیار مفید است و در جنگ میتوان بکار برد قشونیکه جدید
باشد و مشق نکرده باشند خواص مخبران در یک قشون مثل خاصیت
پیش قراول است در قشون بطوریکه بعد ازین ذکر خواهیم کرد
مخبر آنکه در جلو قشون است با یک آتش مستقیم میتواند از لشکر دشمن را
تلف نماید و قوت دشمن را ابتر نماید هرگاه در یک حمله قشون دشمن پیش
قراولان را شکست داده پیش آید یک جمعیت بزرگی از مخبران بیرون
می آیند از قشون بجهه پوشیدن خط دشمنان غالبا مواظبه دارند
از اینکه صدمه ای بدشمن وارد بیاورند و از ایشان را تلف بنمایند
و نظام دشمن را برهم بزنند مخبران را میفرستند در بیرون بجهه اینکه

دشمن را

دشمن را احاطه نمایند از اطراف و هنگامیکه قشون دشمن تکیه کرده باشد
یکی از موانعات طبیعی در این صورت قشون نمی تواند بحالت ستون
پیش رفته باید بحالت زنجیر بروند مخبران در این صورت خواص از
و جمعی از قشون که مخبران میشوند باید همه زنجیره بندند یک جزو از آن
قشون عقبه میشوند برای اجتماع مخبران برای خود داری و از برای امداد
این عقبه کوچک باید همیشه در یک موانع طبیعی جای داشته باشد و این
موانع باید بطوری منتخب شده باشد که در هنگام حمله بتوانند
پایداری بنمایند و پس از قرار دادن عقبه کوچک یک عقبه بزرگ
لازم است و این عقبه بزرگ باید اقلا ربع قوت قشون را داشته
باشد یک زنجیر مخبران نباید هرگز از قشون زود دور شود بواسطه آنکه اگر

امدادی بجهة مخبران لازم شود بتوانند بمخبران امداد نمایند
هر قشونی که در حالت جنگ نزدیک دشمن میکند باید زود اطراف قشون
از مخبران پوشیده شود اگر دشمن با قشون یا دحمله نماید باید زنجیر مخبران
بجلدی از جلو دشمن در روند که روی قشون باز شود برای آتش کردن
بطرف دشمن بقشون مخبران تیر تفنگ نگیرد در حالتیکه زنجیر مخبران در جلو
قشون بسمتی میرود هرگاه در بین راه بمانعی رسیدند و جائی را پیدا
نمودند که بتوانند خودشان را در آنجا پنهان کنند باید ایستاده و بدشمن
حمله نموده تیراندازی نمایند هر قدر زمین در این وقت مانعی داشته باشد
بجهة زنجیر مخبران بسیار مفید و از برای دشمن محل خطر است وقتیکه
مخبران بجهة صدمه زدن دشمن میرود سعی باید نماید که از روی از اطراف

دشمن

دشمن حمله کند و حرکت تیراندازی سمت دشمن را بجلدی نماید تکلیف
مخبران   در حالتیکه دشمن زور آورد باید مخبران عقب نشینند و هر وقتیکه
دشمن عقب نشیند باید مخبران زور آور شده پیش روند   مخبران باید
بجلدی بگذرد از زمینی که موانعات طبیعی داشته باشد و خود را بزمینی
برساند که موانع داشته باشد و هرگاه در حالت راه رفتن بزمینی که
مسطح باشد برسند باید در آن محل نظام گرفته با نظام حرکت نمایند
و هرگاه بمحلی برسند که موانعات طبیعی داشته باشد در این صورت
نظام لازم نیست   در هنگام جنگ هر وقتیکه مخبران بتوانند پیش قراولان
دشمن را شکست دهد و عقب نشانند و نزدیک بقشون رسد باید ایستاده
صبر نماید تا اینکه قشون از عقب رسد و مداومت با آتش پی در پی نماید

اگر مخبران در زمینی باشند که ترس از اسب باشد از جهت سوار دشمن باید در آن
محل جمع شده بحالت گروپ و متبدی بگذرند و در هر جائی که خوف از سوار
داشته باشد گروب باید کرد والا بحالت زنجیر میروند هر وقتیکه
مخبران با قوت از تنگه بگذرند جزئی از مخبران از سمت بالای تنگه و جزئی از
پائین تنگه میروند و آتش بدشمن مینمایند که صدمه ای بدشمن وارد بیاید
بعد از گذشتن از تنگه می ایستند و دشتبان میدهند و صبر میکنند تا
قشون برسد بعد از آنکه قشون رسید عقبه مخبران یک صف ملحق میشود
بجهه گذشتن مخبران از دره معمول میدارد حرکات خود را همین قسم که
از برای تنگه مذکور ساختیم اگر در تنگه یا دره دشمن پیاده باشد
در زور و قوت داشته باشد آنوقت عقبه بزرگ پیش از مخبران آمده در

تنگه یا دره با دشمن جنگ نموده تنگه یا دره را از دشمن میگیرد
بعد از آنکه گرفت قشون مخبران داخل تنگه یا دره شده از بالای تنگه
تیراندازی بدشمن مینمایند وقتیکه یک قشون جنگ و گریز میکند اگر
مخبران پیش قراول قرار داشته و به تنگه برسند وقتی که قشون از
تنگه گذشت چند نفر در آن سمت تنگه می ایستند بدون حرکت تا آنکه
همه مخبران از تنگه بگذرند در وقت حمله و مدافعه مخبران صاحب منصب
مخبران با آرامی باید مخبران را حرکت دهد بفاصله که مقرر شده است
بواسطه بی نظمی در فاصله مخبران دشمن میتواند بطور سهولت غالب بر
مخبران شود جنگ کردن مخبران در کوه بهتر است و همچنین در بسیار
مواقعات طبیعی بجهه جنگ کردن مخبران بسیار مفید است

در جنگ محاصره میشود قشون باید با قشون مجزائی دور محاصره مواظبت
کند و قشون دشمن را از هر طرفی بتواند دور نماید   در تعریف جنگ
نمودن در کوه   در جنگ کردن کوه صاحب منصب کل باید قشون را
بیک نقطه در کوه جمع کرده که همه قشون با یکدیگر متفق باشند هرگاه
قشون متفرق شود بکوه یا دره بواسطه انکه نگاهداری انجا را نماید قشون
دشمن بحمله نماید که کوچکی میتواند کل لشکر را شکست دهد   در ولایات کوهستان
همیشه مواضع خوبی دارد بجهة قشون لکن باسانی میتوان اطراف کوه را
احاطه نموده از شر دشمن محفوظ باشند و باید راه های اسان که بسهولت
امد و رفت میشود نگاهداری مضبوط نمایند که قشون دشمن نتواند صدمه
به لشکر زنند   وقتیکه کوهی را امتحان میکنند بجهة محل قشون باید دقت نمایند

هر کوهی که بزرگ تر و بلندتر از کوه های دیگر است رود را در ان
محل قرار داد و همچنین راه های ان کوه را بهر جهة از هر سمت معین نمایند
بجهة انکه کوه های بزرگ راه های کم و کوچک دارد و بواسطه انکه از
آبادی دور هستند و کمتر محل تردد در انجا میشود و باید یادداشت کرد که
این راه هائیکه در کوه یافت میشود بچه جهة خوب است از برای توپ
و سوار خوب است یا انکه مخصوص از برای پیاده نظام با مصرف است   و
و همچنین سردار کل قشون باید ملاحظه نماید که چگونه جنگل ها در ان محل یافت
میشود و بچه قسم است و همچنین رودخانه هائیکه قریب بان محل میباشد زیاد
آب دارد یا کم اب است در اطراف یا اکناف ان محل باید اطلاع هم
برسانند که شهری یا قصبه یا ده هست و اسباب ملزومه قشون در انجا

یافت میشود و قشون دشمن در انجاها میباشد یا انکه انجاها متعلق بقشون
خود مان است و بچه قسم در ان محل میتوان جنگ نمود زمین مسطح است
یا آنکه موانع طبیعی دارد مکان هائیکه مابین کوه است یا دره ها بهم پیوسته
ندرتاً خوب اتفاق نیافتد و لشکر نمیرود در ان محل مگر انکه بالا و اطراف
این کوه ها و دره ها در تصرف خود لشکر باشد کلیهٔ جنگ در کوه با تصرف
خوب است و یک صاحب منصب باشعور با فراست باید از جمیع مواضع و موانع
و منافع آن سرزمین اطلاع بهم رسانیده باشد بهر ای قشون در سر مکان
باشد   در تعریف جنگ هواخواهان   هواخواهان قشون جمعی هستند که
انتخاب کرده میشوند و همه اوقات در اطراف قشون مکمل و مسلح میباشند و
این جنگ و دسته هواخاهان بحمله قشون دشمن خطرناک است و این هوا

خواهان اگر نباید جنگ بزرگ نمایند اما همیشه نزدیک باطراف قشون
میباشند و بچالاکی و چابکی حرکت را معمول میدارند و غفلتاً بر سر
دشمن میروند و همیشه فتوحات یاد دارند و این هواخواهان مرکب است
از سواره و پیاده ممتاز در حکم یک صاحب منصب باشعور میباشند و این
هواخواهان بهره مند میشوند از انکه بلدیت راه ها و منازل و تشخیص
راه ها که در اطراف و حوالی آن مملکت است که در انجا جنگ میشود
اطلاع بهم رسانیده باشند بطور سهولت صدمات کلی بقشون دشمن
میتوانند وارد بیاورند هر گاه برخورند بجرگی از قشون دشمن که دور از
قشون افتاده باشند مثل انکه حمل ذوقه تهیهٔ لشکریان نخواهند نمایند
یا حمل قورخانه وغیره در این صورت با کمال جرات و پایداری باید

جنگ نموده احمال و اثقال اکثر از ایشان بگیرند و ایشان را از یکدیگر
متفرق سازند بکوه یا بجای دیگر که باسانی نتوانند جمع شوند و بجلدی
حرکت نموده خود را بقشون خود برسانند این کار سواخواهان را بر تب
داده میشود بجهة اطراف و ساکنین آن بلدی که در آنجا جنگ میشود و اغلب
اوقات از سواره و پیاده میباشند و در بعضی اوقات بملاحظه زمین و مناسبت
وقت که سواره بهتر است در آن مکانها پیاده بهتر میتوانند آمد و رفت نمایند مامور
مینمایند و این سواخواهان مواجب و جیره ندارند و همه وقت بجهة مداخل و منفعت
خود دست برد بقشون دشمن میرسانند و هرچه از قشون دشمن بغنیمت ببرند
مال خودشان است و دیگران ابران مال رجوعی نیست و هرگاه ظفر یافتنی
باشد که بکار قشون بیاید باید به دارالکل خریداری از آنها بنماید این

سواخواهان باید محل کمین او را جائی انتخاب نماید که بتواند بطور سهولت و غفلتاً
بجمعیت کوچک از قشون دشمن حمله نماید و گرفتن چاپارکه مابین دو لشکر آمد و رفت
مینماید که بیکدیگر خبر میدهند خلاصه بهر نحو و بهر ترکیب که بتوانند ضرر و صدمه
بلشکر دشمن برسانند خیلی خوب است بهترین محل بجهة کمین سواخواهان کوه
و دره و جنگل و باطلاق میباشد که معبر قشون دشمن از آنجا باشد این سواخواهان
همیشه حاضر و مستعد میباشند پنهان از دشمن و همچنین در روز و شب باید آماده
برای گرفتاری قشون دشمن باشند و هیچ وقت باید غفلت نورزند تکالیف
اشخاصی که بجهة جنگ سواخواهان منتخب شده اند باید این صفات را
داشته باشند جرأت اطاعت زرنگی هوشیاری و طبیعتاً کم خوراک
باشند و با سرعت باشند و نشانه زدن را خوب بدانند هرگاه این طور اشخاص

تهیه جنگ هواخواهان پیدا شود قابل بر جنگ میباشند والا نمی توانند این
هواخواهان جنگ کنند و هواخواهان لشکر چون نظام ندارند لازم است که
چند فرمان از شیپور یاد بگیرند از آن جمله فرمان پیش است راست چپ
بعقب جمع شدن بهر طرف که بخواهند صاحب منصب این هواخواهان باید
پیش از آنکه بر سر دشمن بروند دو محل را منتخب نموده بایشان نشان بدهد یکی
از آن دو محل در پیش باشد اگر دشمن را شکست بدهند و یکی در عقب باشد هرگاه
از دشمن شکست بخورند که در هر صورت متفرق نشوند و یکجا جمع شوند غالباً
به هواخواهان از سربازان نظامی میدهند و باید سربازان خوب منتخب
نمایند و سربازان قابل و زرنگ باشند و کلیتاً این هواخواهان مختار میباشند
در جنگ بهر نحو که بخواهند با دشمن جنگ نمایند   در وقتیکه هواخواهان

از سربازان نظامی باشند جنگ هواخواهان با نظام میباشد از سربازان
نظامی در وقتی که هواخواهان قرار میدهند که در آن محل رعیت و ساکنین
قریه یافت نشود   در تعریف راه رفتن قشون   قاعده راه رفتن متعلق است
بملاحظه نمودن زمین اگر زمین صاف باشد قشون میرود و باستون پوشیده میشود
ستون بواسطه سواره نظام و هرگاه زمین مقطوع شده باشد باید پیاده نظام
سواره نظام را بپوشاند در کلیه زمین باید توپخانه و قورخانه و سایر اسباب
و ملزومات لشکر پوشیده شود بواسطه نظام هر وقتیکه یک قشون بحالت
ستون در راه باشد باید چند نفر همه از سربازان با کاره کارکن انتخاب شده
که هر گاه پل یا راه یا چیزهای دیگر که در سر راه قشون باشد و عبور قشون معطل
داشته باشد درست نمایند و اسباب کار باید همراه آنها موجود باشد

اگر لازم نباشد هرگز قشونی را در فصل تابستان مأموریت نمایند در صورت
مأموریت شب بجهة خنکی هوا باید حرکت کنند در محلی که گمان دشمن نرود و همه وقت
صبح حرکت نمایند و از رودخانه بی پل نباید عبور کنند در صورتیکه پیاده نتوانند
بگذرد و بهتر این است که صبح عبور نمایند و پل بسازند با هر چه که میسر شود یا چوب
یا تخته یا با عراده و زورق بسازند که معطلی حاصل نشود اما باید اسباب
و ملزومات جهة پل بستن همراهی قشون باشد بخصوص در جنگها که خیلی لزوم دارد
بلکه بعضی اسباب از ضروریات است که باید با لشکر باشد و هرگاه در جائیکه
قشون در راه است نباید بسرعت حرکت نمایند اگر لازم نباشد آرامی بهتر است
قطع مسافت شود و در صورتی که گمان برخوردن دشمن نباشد هرگاه بسرعت
و تندی حرکت شود خود نشان پامال و خسته میشوند و صدمه میخورند با این حالت

اگر

اگر بدشمن برخورند طوریکه باید جنگ کنند و فتح نمایند نخواهد شد هرگاه دو راه
یافت شود یک صاحب منصب و یا یک وکیل باید در سر آن راه توقف نماید بجهة
آنکه سربازان قشون بفهمند که از کدام طرف باید بروند و این صاحب منصب فقط
باید بماند تا آنکه جمیع قشون بگذرند و پیش قراولان هم بگذرند هر وقت بخواهند
از یک راه بگذرند باید از اطراف آن راه خاطر جمع شوند که قشون دشمن در
آنجاها مخفی نشده باشد و جمعی از قشون مکمل و مسلح می ایستند تا آنکه جمیع قشون و
اسباب و ملزومات ایشان بگذرد و مبادا اینکه قشون بتعقیب دشمن دست اندازی
نماید هرگاه قشونی مأمور بسرحدی یا ولایتی میشود اگر از صاحب منصبان قشون
کسی باشد که اطلاع از آن راهها داشته باشد خبر بسردار میدهد والا باید
سردار کل با تلگراف این اخبار را معلوم نماید که از معبر قشون چه قسم راه یافت

میشود آیا عبور قشون از جنگل و باطلاق و دره و کوه و تپه میباشد یا دهات
و قصبات هم در راه هست و طول صف قشون از جنگل و کوه و تپه چه قدر میباشد
و باید اطلاع هم رساند که زمین آنجا چه قسم است از تپه و جنگل و سایر موانعات
باید عبور شود و یا از زمین صاف و در راه بچه نحو قشون میتوانند حرکت نمایند
و کدام یک از منازل آب دارد و یا آذوقه یافت میشود و جمیع را اطلاع
سردار کل باید هم برساند که در راه معطلی و سختی بجهة قشون حاصل نشود در
مشق بجهة قشون سه چیز عمده میباشد تیراندازی چابکی نظام راه رفتن که سه
قسم است یا مستقیم پیش یا عقب و یا بطرفین گاه قشون در موضعی برسند
که نباید حرکت نمود پیش قراولان هم حرکت نمی نمایند در راه رفتن بعقب
همیشه سر ستون یک پیش قراولی دارد که دشمن را نمی گذارد از عقب ما

شود و یا اذیت نمایند تا اینکه قشون یک موضع خوبی را معین نمایند هرگاه
قشون در مرتبه پهلو باشد و طرفیکه روی بدشمن است باید پوشیده شود
از یک زنجیر مخبران

در تعیین اقسام مختلفه زمین است

که از چه قبیل قشون
در آن زمین لازم است هر وقتیکه قشونی بحالت ستونی در نزدیک دشمن
حرکت مینماید نظامی که بهترین نظام هاست میدهد و همچنین فرمانده کل هرگاه
افواج را بحالت ستون جنگی بیاورد بسیار مفید است

در جاسوسان

پیش قراول هرگز یک ستون عبور از ولایت دشمن نمی کند تا اینکه اخبارات
راه های آنجا را حاصل نماید دوم در چمن و زمین مسطح این خدمت محول
بسواره میباشد و زمین مقطوع از قبیل دره و تپه و سایر موانع به پیاده
نظام مرجوع میشود هرگاه جاسوسان پیش قراول جمع باشند باکره

سه یا چهار نفری بروند باید ملاحظه و دقت نمایند یا در پس یا در اطراف که از
پیش قراولان که متعلق بخودشان هست محو نشوند و از نظر ایشان غایب
نگردند   وجود جاسوسان هم باید هرگز از یکدیگر خارج نشوند و همیشه بآرامی
و همیشه بآرامی و خاموشی حرکت نمایند و بطور امکان پنهان بروند و همیشه
یکدیگر را متوجه میشوند در دره و جنگل و سرا و باغ و تپه و ده و غیره اگر در همان
لحظه که دشمن را ببینند خبر میدهند بنفر مانده پیش قراول و خود به پیش قراولان
ملحق میشوند یا آنکه در جائی مخفی از دشمن میشوند هرگاه این جاسوسان گرفتار دشمن
شوند باید بجهة اخبار به پیش قراول تیراندازی نمایند و سایر وقت نباید
هرگز تیر تفنگی بیندازند و در وقت شب اذن ندارند که از پیش قراول زیاد
دور شوند یک پیش قراول هرگز در میان یک ده یا جنگل و غیره نمیشود اگر

٥١٢

جاسوسان هم پیش رفته باشند و خبری از ایشان نرسیده باشد باید صبر
نمایند تا خبری برسد و میشود که قشون دشمن جاسوسان را گرفته باشند و در
کمین پیش قراولان مستعد باشد   تکلیف پیش قراول در حالت راه رفتن
وقتیکه یک قشون مستعد باشد پیش قراول مرکب از هر جور قشون و توپخانه
باید نسبت داشته باشد به لشکر در کمی و زیادی قوت پیش قراول خمس قوت قشون میباشد
باشد و این پیش قراولان یک پیش قراول دیگر را مامور مینمایند پیش از خودشان
زنجیر در جلو آنها بسته و از خودشان چند نفر انتخاب نموده بجاسوسی پیش میفرستند
بطوری که در پیش و گردش و همه این پیش قراولان ضمانت مینمایند جهة حفاظت
جمعی قشون بطوریکه در پس و گردش و پیش قراول باید همیشه یک راه مدام نگاه داشته
داشته باشد که راه نمائی نهار آنجا باید بطوریکه در وقت فرار به راه نیفتند

اوتوانند فرار نمایند و باید این راه نابلدیت راه را خوب بداند منزل
بمنزل این راه ها را باید عوض کنند در راه پیشقراول خبر میگیرد از هر
کسیکه در راه ملاقات میکند از دهاتی یا مسافر یا از سرباز اینکه از قشون
دشمن فرار کرده باشند هر چه اخبار پیشقراول پیدا میکند پیش سردار کل میفرستند
که سردار از کیفیات دشمن اطلاع بهم رسانیده باشد هر وقت یک پیش
قراول در یک ده توقف مینماید و فرمانده پیشقراولان رئیس سفیدان
آن ده را میطلبد و از آنها جویا میشود از حالت دشمن و از اطراف آن ده
پیشقراولان چاتر و راحت می نمایند تا اینکه درست از کیفیت آن ده خاطر
جمع شوند در حالت راه رفتن وقتیکه پیشقراولان رسیدند بر دو راه
یک صاحب منصب میماند با یک وکیل بر سر آن راه تا اینکه قشون برسد و هرگاه

برودخانه برسند که پل نداشته باشد یا راهی که خراب باشد باید با آن
عمله هایی که همراه ایشان است آن پل یا راه را تعمیر نموده درست نمایند
تا بوقت رسیدن قشون معطلی حاصل نشود هر گاه در بین راه به یک ده
برسند پیشقراولان حالت میکنند و در توی آن ده نمیروند تا اینکه اطمینان
درست از آن ده بهم رسانند اگر بدشمن برخوردند مکانی برای خودشان
تعیین مینمایند بجهة جنگ نمودن و زود بقشون خودشان اخبار مینمایند و اگر
لازم باشد اخبار نموده جنگ و گریز کرده آهسته آهسته عقب میروند بطوریکه
قشون خودشان وقت داشته باشد که مسلح و آماده جنگ شوند پیش
قراول همیشه در راه بآرامی میرود و بالا پائین و در وقتیکه برسند در
داخل شهرها یا دهها در میدان جنگی در اینجاها طبل و شیپور را نمیزنند

و در سایر جاها می رسند فاصله پیش قراول از قشون متعلق است بکیفیت زمین

هرگاه قشونی بخواهند آماده جنگ شوند ملاحظه مینمایند که چه قدر قشون وقت

لازم دارد برای آماده شدن جنگ مثلا هرگاه قشونی یک ساعت وقت

لازم داشته باشد که مسلح و آماده جنگ شود پیش قراولان یکساعت قبل از

قشون شروع بجنگ مینمایند و ملاحظه کرده میشود بهمین قسم تکلیف پس قراول

در حالت راه رفتن پس قراول مرکب است مثل پیش قراول که در سابق

ذکر شد اما بجهة اینکه یک قشون از عقب قدر قلیلی خوف از دشمن داشته باشد پس

قراول اقرار میدهند و فایده دیگر هم دارد که ذکر میشود جمعیت پس قراول

باید کمتر از پیش قراول باشد اما پس قراول هم باید محافظت لشکر را نماید و در

مواظبت نماید از عقب و اطراف خود و گاه گاهی می ایستند و ملاحظه مینمایند

که

که دشمن از عقب رسد پس قراول متوجه میشود متخلفات قشون او

سربازان میگذارند قشون او در عقب بماند و هی قشون تعقیب حرکت میکند

در نزدیکی دشمن در آن وقت تکالیف زحمت پس قراول زیاد میشود و در این

صورت پس قراولان جمعیت خود را زیاد مینمایند و این پس قراولان

باید از سربازان منتخب کرده باشند بجهة اینکه پس قراولان باید زیاد

محتاط و باجرات باشند و هنگامیکه دشمن پس قراولان حمله مینماید این پس

قراولان حالت نموده جنگ مینمایند و کم کم عقب می نشینند و فرمانده کل

قشون را اطلاع میدهند هرگاه قشون دشمن زیاد باشد و نتوانند بر دفع

آنها برآیند پس قراولان فراریهای قشون را میگیرند و نمیگذارند کسی

چه از ناخوش و چه از وامانده عقب بماند قبل از اینکه قشون حرکت نماید

فرمانده کل جمیع مخلفات قشون امیر هستند در پیش و اگر خوف از پیش
داشته باشند در عقب میمانند و لیکن در پهلوی قشون بهتر خواهد بود
از همه جهة تکلیف کاروان نظامی پیروی کاروان نظامی کار صعب و
مشکل است بجهة اینکه کاروان نظامی همیشه در خوف است از کمین دشمن
و هواخواهان دشمن همه اوقات انتظار کمین دارند بجهة دستگیر نمودن کاروان
نظامی بجهة این است که کاروان نظامی همیشه در عقب قشون حرکت مینماید
جمعی که با کاروان نظامی حرکت میکنند باید مناسبت داشته باشد بعرض
و کیفیت راه بطوری هم ترتیب داده میشوند که بتوانند یکدیگر را کمک نمایند
قراول کاروان نظامی کلیتاً از پیاده نظام هستند اما قدری هم از سواره
نظام میباشند و این سوارکان میروند از پیش و از عقب و از اطراف

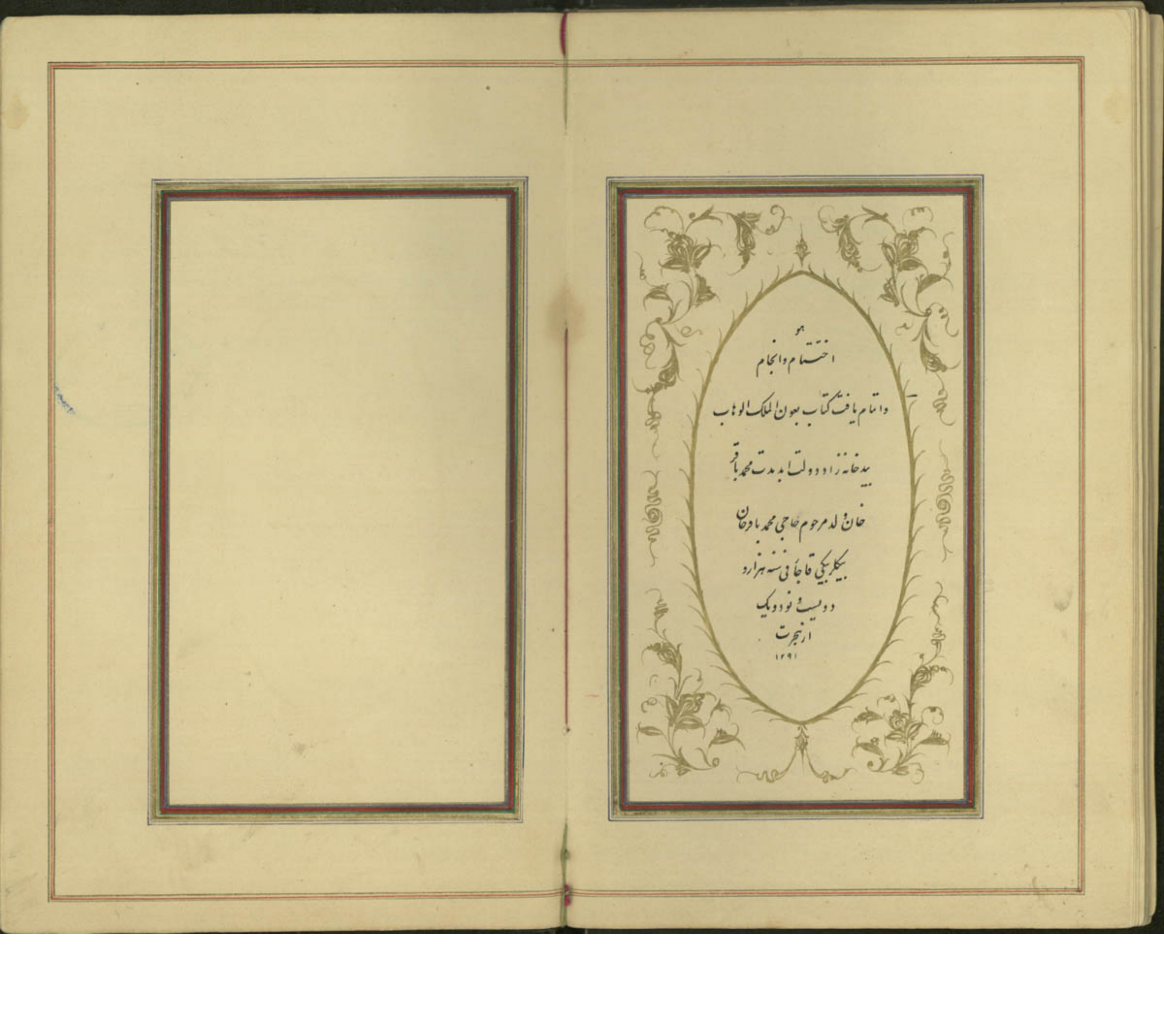
که مبادا

که مبادا دشمن کمین کرده باشد چون که کاروان نظامی از دشمن زیاد خوف
دارد و از این جهة است که مثل قشون از پیش و پس پیش قراول و پس قراول دارد
هر گاه پیش قراول و پس قراول از سوارکان بجاسوسی و جستجوی دشمن رفته اند
بدشمن بخورند شلیک مینمایند در شلیک اول کاروان حالت میایند و بجلدی
جمع میشوند بطریقی که در نزد یکدیگر باشند و هر قدر که بتوانند نباید فاصله در
مابین انها زیاد باشد جمیع کاروان متوجه میشوند که کلا در سمت دشمن حرکت
ننمایند از ترس اینکه مبادا دشمن حیله کرده باشد و از سمت دیگر حمله نماید
و لیکن فرمانده جمعی که همراه کاروان است قبل از انکه از منزل خود حرکت
نماید احکام لازمه را بهمه کس میدهد و بان اشخاص میفهماند جای خود شان را
در وقتیکه بدشمن بخورند بعد از ان که از کیفیت راه خود ان فرمانده مطلع شده

باشد و جاسوسان همه وقت باید در اطراف به تفحص باشند در حالیکه جمعی
از قشون دشمن جنگ و گریز کرده به تعقیب رود باید مستحفظین کاروان نظامی متعاقب
دشمن نروند میشود حیله کرده باشند و مستحفظین را فریب داده قشون دیگر را در کمین
گذاشته باشند و کاروان را دستگیر نمایند هر وقت که دشمن بکاروان
نظامی حمله نماید بجلدی حرکت مینمایند پس در این صورت باید قراولان کاروان
نظامی همیشه حاضر باشند که در حمله اول دشمن را ممانعت نمایند بعد از آنکه
بجلدی این کاروان از حمله دشمن خلاصی یافت بزودی میرود که یک جای محکمی
پیدا نماید که تا اطمینان خودشان شود از برای ولایت ایران این
فقره آسانتر است از سایر ممالک بجهة اینکه عوض عراده بچهارپایان حمل
و نقل میشود وقتیکه کاروان نظامی در راه بیک تنگه برسد بطریقی قرار میگیرد

که در

که در راه رفتن درگیر نشوند وقتیکه سواره و پیادگان از قراولان کاروان نظامی
بجاسوسی باطراف تنگه ماموریت میروند کاروان نظامی کلا در یک جا جمع
شده میرود وقتیکه خبر از جاسوسان رسید به پیش حرکت مینمایند و بجلدی میروند
که از مواضع مذکوره بگذرند و بزمین هموار برسند بجهة اینکه اگر دره و تنگه و تپه
ماهور زیاد خوف دارد بجهة اینکه مواخواهان در این مواضع پیشتر از سایر
مکانها کمین مینمایند و حمله بکاروان بسهولت میتوانند بنمایند هر وقت که کا
کاروان نظامی همراه خود قورخانه داشته باشد در آن وقت جای
کاروان همراهی قشون کل قرار میدهند و قدغن مینمایند و قراولان مخصوص
میگمارند که در آن محل غلیان و آتش نزنند و کسی دیگر جز این قراولان و
قورخانه‌چی در آن محل آمد و رفت ننمایند مگر صاحب منصب کل بجهة تقسیم قورخانه



هو
اختتام و انجام
و اتمام یافت کتاب بعون الملک الوهاب
بید خانه زاد دولت ابد مدت محمد باقر
خان ولد مرحوم حاجی محمد باقرخان
بیگلربیگی قاجار فی سنه هزار و
دویست و نود و یک
از هجرت
۱۲۹۱

